

مطالعه جامعه شناختی مشارکت سیاسی زنان از دیدگاه اسلام

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۲/۰۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۲/۲۵

حلیمه عنایت^۱، مجید موحد^۲، شهناز براتی^۳

چکیده

زنان نیمی از پیکره اجتماع انسانی هستند و شخصیت، رفتار، فرهنگ و اندیشه آنان در شکل‌گیری جامعه انسانی نقش مهمی ایفا می‌کند. از آنجا که دین نهادی اجتماعی است که چگونگی برقراری ارتباط بین زنان و مردان در جامعه را تبیین می‌کند، نگرش ادیان به جایگاه و شخصیت زنان اهمیتی روزافزون می‌یابد. هدف از انجام این پژوهش، بررسی مشارکت سیاسی زنان در عصر پیامبر ﷺ با رویکردی جامعه شناختی است. این تحقیق با روش تاریخی انجام شده است و تکنیک مورد استفاده برای جمع‌آوری اطلاعات، اسنادی است. اسلام با تغییر نگرش نسبت به زنان، آنها را در شأن انسانی برابر با مردان می‌داند. توجه ویژه پیامبر اکرم ﷺ به ساخت جامعه ای مبتنی بر ارزش‌های انسانی بدون در نظر گرفتن جنسیت و با توجه به آموزه‌های قرآنی، سبب شد که مشارکت سیاسی زنان صورتی متفاوت نسبت به دوران جاهلیت پیدا کند.

واژگان کلیدی: مشارکت سیاسی زنان، دوران جاهلیت، زمان پیامبر ﷺ.

۱. استاد جامعه شناسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.

Email: henayat@rose.shirazu.ac.ir

۲. استاد جامعه شناسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.

Email: mmovahed@rose.shirazu.ac.ir

۳. کارشناسی ارشد مطالعات زنان، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: baratishahanz@yahoo.com

۱. مقدمه

از مهم‌ترین عواملی که به تداوم حیات بشر کمک کرده، همکاری و مشارکت میان انسان‌هاست. از منظر جامعه‌شناسی، مشارکت فرایند تعاملی چند سویه است که مداخله و نظارت مردم و قابلیت سیاسی-اجتماعی نظام را در دستیابی به توسعه، همراه با عدالت اجتماعی در پی خواهد داشت. (نوروزی، ۱۳۸۸) همچنین مشارکت پدیده‌ای است که همراه با تکامل تحول یافته است. مشارکتی که لازمه توسعه پایدار است، مشارکت همه اقشار و گروه‌ها (اعم از مردان و زنان) است و در این میان تردیدی نیست که نقش زنان، که نیمی از پیکر جامعه (و گاه، بیش از نیم)، را تشکیل می‌دهند، نقش عظیم و نیرومندی است (یزدان پناه، و صمدیان، ۱۳۸۷). یکی از موضوعات اساسی در مباحث زنان، مسئله مشارکت سیاسی آنهاست. از آغاز تاریخ فلسفه و سیاست، اهل نظر، زن را در حاشیه سیاست و در پی آن در حاشیه تاریخ قرار داده‌اند و از آن روز تا به امروز زن مثل نیمه تاریک تاریخ است. آنها با تقسیم بندی متصلب و انعطاف ناپذیر، با تعیین حدود مرد و زن بر اساس ویژگی‌های ذاتی و یا عرضی، مرزبندی تغییرناپذیری در مورد حیطة فعالیت‌های این دو داشته‌اند. بر این مبنا، سیاست حوزه‌ای مردانه تلقی شده و زنان به دلیل توصیف‌هایی که از آنها شده است، شایستگی ورود به این صحنه را نداشته‌اند (کدیور، ۱۳۸۱).

امروزه کمتر کسی می‌تواند نقش دین و نهاد دین را در زندگی اجتماعی و در زندگی سیاسی نادیده بگیرد. (فیروزجانیان، ۱۳۸۷) تاریخ زندگی بشری که با بعثت و نبوت به هم آمیخته، به خوبی گواه است که زنان همواره سهم بسزایی در متن جوامع و ملت‌ها ایفا کرده‌اند و اسلام نیز همپای تاریخ به حضور زن در این عرصه ارج نهاده، آن را ستوده و به ارتقای چنین تصویری اندیشیده است (باقرزاده، ۱۳۸۵). اگرچه متون قطعی الصدور و محکم دین اسلام دلالت بر آن دارد که زن و مرد جایگاه یکسانی دارند و نقش‌ها و مسئولیت‌ها را بین آن دو بر اساس اصل تکامل انسانی تقسیم می‌کند تا با تعامل ارزش‌ها بین زن و مرد، ویژگی‌های انسانی در سطح تکامل نقش‌ها و مسئولیت‌ها به یگانگی و انسجام برسد؛ در طول تاریخ، نگرش نسبت به زن با نوسانات بسیاری همراه بوده و این نوسانات تا حدودی به متون دینی نیز سرایت کرده است (مروتی، و زرگوشن‌سب، ۱۳۸۷). از مسائل مهمی که در جامعه کنونی مطرح است،

مسئله زنان و مشکلات و امور مربوط به آنان است. نقش زن در عرصه سیاست از مباحث مهمی است که باید مورد توجه و تجزیه و تحلیل درست قرار گیرد؛ چرا که پردازش صحیح این مسئله، می‌تواند راهگشای مناسبی برای حل بسیاری از مشکلات و معضلات امروزی جوامع باشد (قیوم‌زاده، ۱۳۸۷).

مطالبات زن امروزی و دانش او با زنان دوره‌های پیشین متفاوت است. پیشرفت برق‌آسای تکنولوژی، افزایش تبادل اطلاعات و نیز بروز و ظهور نیازهای کاذب، سبب تعبیر و تفسیر مادی از حیات و هستی و توجه و تأکید بر فردیت انسان‌ها و حقوق فردی آنها شده است. تقلید از جوامع غیراسلامی در همه ابعاد زندگی (اعم از علم، فلسفه، اخلاق، عادات و آداب) و همچنین افزایش حضور زنان در عرصه‌های مختلف علمی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی، به همراه عدم پاسخگویی به شبهات موجود در ارتباط با زن، این توهم را تقویت کرده است که دین اسلام شخصیت انسانی و حقوقی زن را به رسمیت نشناخته و یا تحقیر کرده است. (نعمتی بیرعلی، ۱۳۸۶) بسیاری از افراد قوانین اسلامی را قوانینی پدرسالارانه و ستم به زنان می‌دانند، اما هنوز افرای از زنان مسلمان به طور جدی از دین خود دفاع می‌کنند، با این ادعا که اسلام ضامن برابری حقوق زنان است (مجیا، ۲۰۰۷). بر این اساس، ضرورت پژوهش در تعالیم دین اسلام به ویژه در ارتباط با زن و بررسی نقش و تأثیر اسلام در بهبود شرایط زندگی زنان مبرهن است. در این پژوهش با توجه به اهمیت فعالیت زنان در عرصه سیاسی سعی شد آزادی‌هایی که زنان در پرتو دین اسلام در زمینه سیاسی به دست آوردند، مورد بررسی قرار گیرد. از این رو، نخست تصویری از وضعیت زنان در دوران جاهلیت ارائه شد، سپس وضعیت زنان در دوران پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مورد بررسی قرار گرفت.

۲. دیدگاه‌های مرتبط با مشارکت سیاسی

مشارکت سیاسی، پدیده‌های پیچیده و دارای ابعاد متعدد است. آلن بیرو مفهوم مشارکت را «سهمی در چیزی یافتن و از آن سود بردن یا در گروهی شرکت کردن و با آن همکاری داشتن» تعریف کرده است. (بیرو، ۱۳۹۲) همچنین هرگونه عملی را که هدف آن به طور مستقیم

تأثیرگذاری در نهادها و جریان‌های سیاسی و یا به طور غیر مستقیم تأثیرگذاری بر جامعه مدنی یا تلاش برای تغییر الگوهای رفتار اجتماعی باشد، مشارکت سیاسی می‌گویند (نورس، ۲۰۰۱). از منظر دینی، مشارکت سیاسی فعال و حساسیت نسبت به سرنوشت خود و جامعه، نه یک حق، بلکه تکلیفی حتمی و ضروری و ارزشی مطلوب برای عموم جامعه است (غفاری هسجین، ۱۳۸۹). با دریافت چنین معنایی، تاریخ صدر اسلام مملو از دخالت‌های سیاسی در امور مملکت اسلامی بوده و تمامی سربازان، فاتحان جنگ، پشتیبانان ایشان، والیان و استانداران و حتی کاتبان و نویسندگان، سیاست‌مدار و مداخله‌گر در امور سیاسی بودند و زنان، گروه‌هایی از این افرادند که یا به طور مستقیم به امور سیاست پرداخته و مداخله‌گر در امور مملکت اسلامی بودند یا با درک عمیق از شرایط و اوضاع سیاسی آن روزگار تا آنجا که توان فکری و عملی داشتند، به حمایت و پشتیبانی از آرمان‌های اسلامی برمی‌خاستند (ریغان، ۱۳۸۵).

رویکردهای نظری متفاوتی درباره مشارکت سیاسی زنان از سوی نظریه‌پردازان اندیشمندان ارائه شده است. این نظریات درصدد پاسخگویی به این سؤال است که چرا حضور زنان در سطوح بالای تصمیم‌گیری و قدرت سیاسی بسیار کم است؟ و چرا تمایل آنان به کاندیدا شدن برای کسب مناصب بالای سیاسی زیاد نیست؟ به طور معمول، پاسخ به این سؤالات را به ادراک کلیشه‌ای زنان از سیاست ارجاع می‌دهند و در این زمینه دو گونه تبیین ارائه می‌کنند. نخستین نظریات مبتنی بر تفاوت‌های زیست‌شناختی و تأثیر عوامل ژنتیکی، وراثتی و هورمونی در ادراک متفاوت زنان و مردان نسبت به ابعاد گوناگون زندگی است؛ بر همین اساس سیاست‌فعالیتی است مرتبط با قدرت و برقراری قدرت در زندگی اجتماعی. بنابراین، با ویژگی‌های زیست‌شناختی زنانه مناسبت ندارد و همین ویژگی‌ها زنان را به حوزه خصوصی زندگی سوق می‌دهد. درحالی‌که سیاست بخشی از حوزه عمومی زندگی و برآزنده مردان نمایش داده می‌شود. در مقابل این رویکرد، نظریات مبتنی بر تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی وجود دارد. بر این اساس، زنان ساخته شده‌اند که یاد بگیرند و سیاست کار مردان است و این موضوع را برای زنان درونی کرده و عادی

قلمداد می‌نمایند تا جایی که در بسیاری جوامع موانع قانونی برای شرکت زنان در سیاست از بین رفته است، اما عدم حضور زنان و یا تفاوت چشمگیر حضور زنان و مردان در سیاست دیده می‌شود. این موضوع نشان‌دهنده نوعی محدودیت فرهنگی اختیاری است؛ زیرا هنجارهای فرهنگی موجود که فرد در فرایند جامعه‌پذیری آنها را یاد می‌گیرد، سیاست را امری مردانه تعریف می‌کند؛ این رویکرد امروزه دارای کاربرد بیشتری در مطالعات مربوط به مشارکت سیاسی زنان است (موحد، ۱۳۸۲).

براین اساس، زنان از سیاست‌گریزان می‌شوند و کنترل و استیلای مردان بر سازمان‌های سیاسی آنان را از صحنه خارج می‌کند. شکاف میان عرصه‌های خصوصی و عمومی، راه را برای ورود ارزش‌های زنانه به قلمرو عمومی می‌بندد. این شکاف ذهنی میان امور عمومی و خصوصی با واقعیت‌های زندگی اجتماعی و سیاسی مطابقت ندارد. به نظر سیلتانن^۱ و استانورث^۲ ظرفیت سیاسی زنان در متون مردم‌محور دست کم گرفته شده است. پژوهش‌های مردم‌محورانه مشارکت سیاسی زنان را کمتر از مردان نشان می‌دهد و علایق و خواسته‌های زنان را بیشتر با زتاب تعهدات اخلاقی یا خانوادگی معرفی می‌کنند تا موضع اصلی سیاسی. تفاوت رفتار سیاسی مردان و زنان بیش از اندازه بزرگ‌نمایی شده و با وجود توجه به تأثیر قلمرو خصوصی بر رفتار سیاسی زنان، تأثیر قلمرو خصوصی بر رفتار سیاسی مردان را نادیده گرفته‌اند. (آبوت و والاس، ۱۳۹۳)

گیدنز معتقد است که مانع واقعی برابری زن و مرد، حق رأی نیست بلکه تفاوت‌های اجتماعی اساسی‌تر و ژرف‌تر میان زنان و مردان، زنان را در چارچوب وظایف خانوادگی محدود می‌کند و این دگرگونی در تفاوت‌های اجتماعی است که موجب تغییراتی در مشارکت سیاسی زنان شده است؛ با کمتر شدن دامنه اختلاف در زمینه قدرت و پایگاه مردان و زنان، میزان مشارکت زنان نیز بالا می‌رود. در واقع مسئله اصلی ساختارهای خانوادگی و پایگاه‌های قدرت است و تا زمانی که تغییرات اساسی در آنها شکل نگیرد، مشارکت سیاسی زنان یک بحث صوری و ظاهری خواهد بود. (ماشینی، ۱۳۸۶)

در اسلام، مشارکت سیاسی و حقوق اجتماعی زنان به خوبی ترسیم و جهات آن مشخص

شده است. به گونه‌ای که علاوه بر حقی که زنان در این امور دارند، مشارکت سیاسی وظیفه هر زن است، همانطور که برای هر مرد هم وظیفه است. همچنین متغیرهایی در دین تعیین شده است که مشارکت سیاسی مسجّل و حقوق اجتماعی زنان را معین می‌کند. (قیوم‌زاده، ۱۳۷۸) از جمله می‌توان به نظرات امام خمینی رحمته‌الله علیه اشاره کرد که معتقد است اسلام کسب قدرت سیاسی را ابزاری برای رسیدن به هدف و ارتقا و کمال‌پذیری انسان (اعم از زن و مرد) در نظر می‌گیرد و حضور اجتماعی و سیاسی هر دو جنس را در صحنه بنا بر ضرورت می‌پذیرد، اما زن با وجود روحیه لطیف و مسئولیت‌پذیرانه خویش، نگاهی آمیخته با تکلیف دارد. هدف زنان در کسب مبارزه و وارد شدن در صحنه سیاسی، به دست آوردن قدرت و کسب جاه و مقام نیست، بلکه زن مسلمان به خاطر دفاع از اسلام و قرآن وارد عرصه سیاست شده است. ایشان تأکید می‌کند که این روحیه باید حفظ شود نه اینکه زنان چون زن هستند کنج عزلت‌گزینند و خانه‌نشینی را اختیار کنند و تابع محض رویدادها و حوادث جامعه باشند. از این رو ایشان می‌فرماید:

خانم‌ها برای اینکه یک چیزی - مثلاً - دستشان بیاید یا - فرض کنید که - صاحب منصب بشوند، نمی‌آیند بیرون، خودشان و بچه‌هایشان را به کشتن بدهند. این اسلام و قرآن است که خانم‌ها را آورده بیرون و همدوش مردها، بل جلوتر از مردها وارد صحنه سیاست کرده است. (موسوی خمینی، ۱۳۶۳)

سیاست به معنای اداره کشور و آنچه که در کشور جریان دارد، است و همه مردم حق دخالت در سیاست را دارند. همانطور که مرد در همه شئون جامعه دخالت دارد، زنان هم دخالت دارند، و مردان و زنان هر دو باید از فساد در جامعه اجتناب کنند. زنان باید دقت کنند تا ملعبه‌ای در دست مردان نباشند، خانم‌ها هم حق دارند و تکلیفشان این است که در سیاست دخالت کنند، سرنوشت خود را تعیین کنند و همپای مردان در مسائل اجتماعی و سیاسی وارد باشند و اظهار نظر کنند. در اسلام زن با عنوان یک انسان می‌تواند مشارکت فعال با مردان در بنای جامعه اسلامی داشته باشد. (خمینی، ۱۳۷۸)

همچنین ابوالعلاء مودودی بیان می‌کند که سیاست، اداره حکومت، خدمات نظامی و عالی به مردان اختصاص دارد. اگر اسلام زنان را موظف به کمک به مجروحان در زمان جنگ می‌کند، معنایش این نیست که مسلمانان زنان را در حالت صلح نیز به سوی

کتابخانه‌ها یا مدارس، کارگاه‌ها، انجمن‌ها و مجالس نمایندگی بکشند؛ زیرا خداوند آنان را برای انجام این کارها نیافریده است و زن در عرصه‌ای که به طور فطری برای آن آفریده نشده است، شکست می‌خورد. (مه‌ریزی، ۱۳۸۶) در مقابل، برخی بر این عقیده‌اند، مقامی که اسلام برای زن به موازات مرد در تمام مشترکات طبیعی و توانایی‌ها مقرر داشته است، این امکان را به زن می‌دهد تا در حدود احترام به تکالیف شرعی از حیث پوشش و رابطه با مرد نامحرم و مسئولیت‌های زناشویی و خانوادگی، در فعالیت سیاسی وارد شود. بدون شک زن مسلمان نیز همگام با مرد مسلمان مسئولیت امر به معروف و نهی از منکر و اهتمام به امور مسلمانان و جامعه اسلامی را برعهده دارد (شمس‌الدین، ۱۳۷۶).

۱-۲. مشارکت سیاسی در قرآن

آموزه‌های قرآنی پیروان خود را به برخورد منطقی و موضوعی با پدیده‌ها، به دور از تعصب و پیش‌داوری دعوت می‌کند و با نگاهی یک‌بعدی، تمام فضایل یک پدیده را انکار نمی‌کند یا تمام عیوب آن را نادیده نمی‌گیرد. نگاه قرآن به اوضاع فرهنگی دوران جاهلیت، نگاهی اصلاحی است و در صدد نیست که آداب و رسوم و روش‌های زندگی آنها را به طور کامل از بین ببرد و نهاد فرهنگی جدیدی بنیان نهد. برای مثال روش پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در حج را می‌توان جمع میان حج ابراهیمی، حج جاهلی و حج اسلامی دانست. (عباسی مقدم، ۱۳۸۹) قرآن کریم هرگز زنان را در ردیف سفیهان، و محجوران وضعفای فکری و عقلی به لحاظ زن بودن قلمداد نکرده است بلکه به رای و بیعت آنها با پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نیز عنایت و توجه داشته است و آن را معتبر شمرده است و به پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يُبَايِعْنَكَ عَلَىٰ أَنْ لَا يُشْرِكْنَ بِاللَّهِ شَيْئًا وَلَا يَسْرِقْنَ
وَلَا يَزْنِينَ وَلَا يَقْتُلْنَ أَوْلَادَهُنَّ وَلَا يَأْتِينَ بِمُهْتَنٍ يَفْتَرِيتهَ بَيْنَ أَيْدِيهِنَّ وَأَرْجُلِهِنَّ وَلَا
يَعْصِيَنَّكَ فِي مَعْرُوفٍ قَبَايِعُهُنَّ وَاسْتَعْفَرَهُنَّ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَفُورٌ رَحِيمٌ

ای پیامبر! هنگامی که زنان مؤمن نزد تو آیند تا با تو بیعت کنند که چیزی را شریک خدا قرار ندهند، دزدی و زنا نکنند، فرزندان خود را نکشند، تهمت و افتراپی پیش دست و پای خود نیاورند و در هیچ کار شایسته‌ای مخالفت فرمان تو نکنند، با آنها بیعت کن و برای آنان از درگاه خداوند آموزش طلب که خداوند آمرزنده و مهربان

است. (ممتحنه: ۱۲)

قرآن کریم در آیات متعددی از مهاجرت زنان مسلمان سخن گفته است: خداوند هجرت را بر زنان و مردان به طور مساوی واجب می‌کند. (رک: نساء: ۹۷ و ۹۸) سوره آل عمران آیه ۱۹۵ می‌فرماید:

فَاسْتَجَابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ أَنِّي لَا أُضِيعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِنْكُمْ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ بَعْضُكُمْ مِنْ بَعْضٍ
فَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَأُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَأُوذُوا فِي سَبِيلِي وَقَاتَلُوا وَقُتِلُوا لَأُكَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ
وَلَأُدْخِلَنَّهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ قَوْلًا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الثَّوَابِ.

پس پروردگارشان دعای آنان را اجابت کرد [و فرمود که] من عمل هیچ صاحب عملی از شما را از مرد یا زن که همه از یکدیگر تباها نمی‌کنم. پس کسانی که هجرت کرده و از خانه‌های خود رانده شده و در راه من آزار دیده و جنگیده و کشته شده‌اند بدی‌هایشان را از آنان می‌زدایم و آنان را در باغ‌هایی که از زیر [درختان] آن نهرها روان است درمی‌آورم. [این] پاداشی است از جانب خدا و پاداش نیکو نزد خداست.

خداوند از هجرت زنان به مدینه همراه با پیامبر ﷺ (به طور خاص) در سوره احزاب آیه ۵۰ یاد می‌کند. همچنین قرآن کریم امر به معروف و نهی از منکر را وظیفه زنان و مردان می‌داند و می‌فرماید: (قیوم زاده، ۱۳۸۷)

وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ
الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ.

مردان و زنان با ایمان ولی (یارو یاور) یکدیگرند، امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند، نماز را بر پای می‌دارند و زکات را می‌پردازند و خدا و رسولش را اطاعت می‌کنند. بزودی خدا آنان را مورد رحمت خویش قرار می‌دهد، خداوند توانا و حکیم است.

بنابراین، با توجه به آیات قرآن برای شناخت کافی از موقعیت زنان در دوران پیامبر ﷺ، بررسی موقعیت آنان در دوران جاهلیت امر ضروری است.

۲-۲. مشارکت زنان در دوران جاهلیت

جهل بنا بر نتیجه‌ای که گلدزیهر^۱ بدان رسیده است در معنای اصلیش متضاد و در مقابل علم نیست، بلکه مقابل حلم است که دلالت می‌کند بر «معقولیت اخلاقی یک انسان با فرهنگ» که به طور تقریب ویژگی‌هایی مثل بردباری، صبر، اعتدال و رهایی از هواهای نفس

1. Ignaz Goldziher

را داراست. (ابزوتسو، ۱۳۹۴) بی تردید، نگاه نادرست به زنان در شکل‌گیری کنش‌ها و نقش‌های نادرست در جامعه مؤثر است. نگاه کالپنداری به زن و استفاده ابزاری از او موجب می‌شود تا اراده، تصمیم و شخصیت زن نادیده انگاشته شود. درحالی‌که ارزش و اهمیت دادن به او زمینه‌ساز ترقی و تعالی جامعه است. جامعه‌شناسان بر این باورند که فرهنگ حاکم بر هر جامعه در شکل‌دهی رفتارها و هنجارهای اعضای جامعه نقش تعیین‌کننده‌ای دارد؛ زیرا فرهنگ، کنش‌ها و نقش‌های نهاد اجتماعی را با توجه به موقعیت اجتماعی، زیستی و اقلیمی تعریف و تبیین می‌کند (رحمت‌آبادی، ۱۳۸۶). مردم عربستان به اقتضای طبیعت دوگانه آن سرزمین، به دو قسمت «اعراب بادیه‌نشین و اعراب مدنی» تقسیم می‌شدند. عرب‌های بادیه‌نشین بی‌منظور و بی‌هدف در بیابان سرگردان نبودند، بلکه زندگی آنها از نظم خاصی پیروی می‌کرد؛ چه در صحرا و چه در شهر، زندگی افراد با واحدی به نام قبیله پیوند می‌خورد. در جامعه جاهلی عربستان، هویت فرد در قالب قبیله تعریف می‌شد؛ قبیله اساس جامعه بدوی بود و در تعریف، گروهی از مردم بودند که انتساب به یک مبنای مشترک، عامل تجمع و وحدتشان بود. قبیله در جامعه عرب جاهلی، نه فقط شالوده حیات و بقای تمام پیوستگی‌های فردی و اجتماعی عرب به شمار می‌رفت، بلکه تمام ارکان شخصیت و مظاهر فکری و عقلی او را نیز تشکیل می‌داد. در ذهن عرب جاهلی، قبیله واقعیتی خارج از ذهن افراد داشت و با اتکا به همین واقعیت و بدون آنکه تنها مقوله‌ای اعتباری به شمار رود، بر تمامیت افراد، اعم از جان و اندیشه آنها و افراد خانواده‌شان، حکومت قطعی و مسلم داشت (سالم، ۱۳۸۰).

نظام قبیله آنقدر کوچک و بسیط بود که در آن هر اتفاقی را می‌شد به سیاست ربط داد و به طور طبیعی نمی‌شد زنان را از این عرصه کنار گذاشت. یکی از جلوه‌های مهم سیاسی در نظام قبیله‌ای، مجلس مشورتی متشکل از بزرگان قوم و قبیله و معمولاً مردان بود. در برخی موارد، زنان هم در این مجالس صاحب رأی بودند. در عرصه سیاست خارجی قبیله، زنان عناصری مهم بودند، ولی در حد ابزار، برای قبیله کارایی داشتند؛ چراکه یکی از راه‌های هم‌پیمانی قبایل ازدواج یکی از زنان قبیله با مردی از قبیله دیگر بود. این ازدواج نوعی پیمان تدافعی برای دو قبیله به شمار می‌رفت. یکی از مسئولیت‌های افراد قبیله

حمایت از قبیله در هنگام خطر بود. نگاهی گذرا به جنگ‌های زمان جاهلیت نشان‌دهنده حضور زنان در این جنگ‌هاست، اما اغلب گفته می‌شود که حضور آنها صرفاً برای ترغیب سپاه به ادامه جنگ بود. در عرصه سیاست داخلی، رد پای زنان را تا دارالندوه، آن هم در مواردی محدود، می‌توان دنبال کرد. (کاشف الغطاء، ۱۳۸۵)

حضور سیاسی زنان در جاهلیت به شکل‌های مختلف قابل مشاهده است که از آن جمله حضور زنان در بیعت‌های مختلف در دوران جاهلیت است؛ مثل حضور عاتکه دختر مره بن حلال، همسر عبد مناف، در «حلف الاحابیش» که برای بزرگداشت عبدمناف جانشین قصی بود، شرکت داشت؛ ام حکیم در «حلف الطیبین» که برای رفع اختلاف میان عبدالمطلب و بنوعبدالدار در کنار کعبه بسته شد، حضور داشت؛ ام حکیم بیضا یا خواهرش عاتکه، دختر عبدالمطلب در «حلف الفضول» که به موجب آن قبایل قریش عهد بستند تا مظلومان و مستضعفان مکه را یاری رسانند، شرکت داشت (یعقوبی، ۱۳۸۹) که بیشتر، زنان اشراف از این موقعیت‌ها برخوردار بودند و زنان طبقه پایین جامعه از چنین موقعیت‌هایی بهره‌مند نمی‌شدند. (عباسی مقدم، ۱۳۸۹) در مجموع، به نظر می‌رسد که هر چند روزه‌هایی از کنش‌های سیاسی در بین زنان جاهلی دیده می‌شود، اما جبر قبیله و فرهنگ عصبی حاکم، مانع از نقش‌آفرینی‌های سیاسی توسط آنها بود. هر چند زنان تحت نظام قبیله‌ای زندگی می‌کردند، ولی مثل یک شهروند درجه یک، قادر نبودند خواسته‌ها و منافع خود را از قبیله تقاضا کنند و اگر در عرصه‌هایی حضور می‌یافتند، برای آماده‌سازی زمینه برای حضور و فعالیت مردان بود (کاشف الغطاء، ۱۳۸۵).

۳. آشکال مشارکت زنان در صدر اسلام

از نظر جامعه‌شناسان، جوامع بدون وقفه، نیروهای برونی یا درونی که ماهیت، جهت و سرنوشت آن را تغییر می‌دهد، ایجاد کرده و پذیرای آنها شده و یا آنها را تحمل می‌کند. تمام جوامع چه به صورت ناگهانی و چه به صورت آرام یا نا محسوس، هر روز تغییراتی را به خود می‌بینند. (روشه، ۱۳۹۴) بی‌تردید، جامعه نبوی در جایگاه جامعه‌ای نو بنیاد، همانند سایر جوامع شاهد دگرگونی‌هایی بوده و در حیات اجتماعی خود، تغییراتی را تجربه کرده است

برای فهم تحول جایگاه سیاسی زنان، باید تحولات نظام و فرهنگ سیاسی اسلام را نسبت به جاهلیت بررسی کرد. ریشه‌های این تحولات به تعالیم پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ که مبتنی بر وحی الهی است، باز می‌گردد. اندیشه دینی که از زبان پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مطرح شد، با زندگی قبیله‌ای که تربیت افراد را در چارچوب‌های محدود شکل می‌داد، مخالفت بود و افراد را فراتر از محدودیت‌های قومی تربیت می‌کرد. مهمترین آموزه‌ها برای قوت بخشیدن به عقیده مشترک، درباره توحید ارائه شد و خداوند، حاکم و صاحب ولایت مطلق، و رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مسئول اعمال حاکمیت الهی معرفی گردید.

همزمان که پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به تحول در جامعه جاهلی دست زد، وضعیت زنان را نیز متحول ساخت. از نظر اسلام، همان‌گونه که زن و مرد در وابستگی و استقلال وجودی مساوی‌اند، در بسیاری امور دیگر مثل استقلال سیاسی و اقتصادی نیز یکسانند. قرآن زن را نیز مانند مرد، مسئول، متعهد و مستقل معرفی کرده و به او حق داده است در مسائل اصلی خود تصمیم‌گیر باشد و در انتخاب روش سیاسی و حکومتی، که باید مبتنی بر شناخت و آگاهی باشد، مشارکت کند. (کاشف الغطاء، ۱۳۸۵) پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ با اطاعت از فرامین قرآن و رفتار اخلاقی و درست، جایگاه زنان را به مسلمانان معرفی کرد و آن را از طریق رفتار صحیح با دختر خود و زنان جامعه به دیگران نشان داد (غروی نائینی، ۲۰۱۰). به این ترتیب زنده به‌گور کردن دختران متوقف شد و به زنان اجازه داده شد تا تعالیم قرآن را انتخاب کنند و با مردان از مکه به مدینه مهاجرت کنند (زیدی، ۲۰۰۹).

پیوند زنان به مسجد که محور جامعه اسلامی بود، موجب افزایش آگاهی‌ها و میزان مشارکت ایشان شد. شعور و آگاهی بارزترین شروط مشارکت سیاسی است؛ زیرا موجب افزایش فعالیت زن می‌شود و حتی گاه با کوشش و تداوم، صلاحیت زن را از صلاحیت عام به سطح صلاحیت خاص ارتقا می‌بخشد. نتیجه این امر در زمان رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ظهور تعداد زیادی زن صحابی بود که برای همگان الگو و نمونه بودند. بدون شک رغبت و تمایل زیاد زنان صحابی به ویژه زنان انصار بر مشارکت مثبت در فعالیت‌های مختلف اجتماعی و عرضه الگوها و نمونه‌هایی از زنان در این زمینه، اساس این تغییر بود. البته باید به این نکته توجه داشت که زن مسلمان در عصر پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ براساس هدایت و راهنمایی‌ها و منش اسلامی

در همه عرصه‌ها حضور داشت و به صورتی متحد و با تمسک به ارزش‌ها و مبادی روشن جامعه که نه وارداتی بود و نه بیگانه با او، مکان و جایگاه خود را حفظ کرد. (رئوف، ۱۳۷۷)

اسلام بر رشد آگاهی‌های سیاسی زن تأکیدی تام دارد تا زن بتواند مسئولیت‌های سیاسی و اجتماعی خود را به انجام رساند. شرایط و بافت اجتماعی می‌تواند مانع ایفای این مسئولیت‌ها شود، همچنان که ممکن است آن را تسریع کند. در نهایت امت، مسئول تغییر بافت و ساخت اجتماعی است تا زن امکان بیابد در فعالیت‌های سیاسی مشارکت کند. (رئوف، ۱۳۷۷) حضور زنان مسلمان صدر اسلام در اجتماع بر این نظر صخه می‌گذارد؛ آنجا که زنان دوشادوش مردان در جهاد علیه کفار شرکت کردند و یا آنجا که به طور مستقل با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بیعت کردند و حکومت ایشان را به رسمیت شناختند (کاشف الغطاء، ۱۳۸۵). زن در این عرصه، موجودی منفی یا مهره‌ای متروک نبود و نقش او، منحصر به پذیرش دعوت نمی‌شد، بلکه زنان بسیاری در قبول دعوت پیامبر صلی الله علیه و آله و تلاش در راه آن، نقش مؤثر و مثبتی داشتند. آنها شکنجه‌ها تحمل کردند و برای حفظ عقیده خود جلای وطن نمودند، به رزمندگان یاری رساندند و به هنگام ضرورت به طور مستقیم در جبهه نبرد شرکت کردند که تاریخ سرشار از شواهدی در این مورد است (شمس‌الدین، ۱۳۷۶).

اسلام با دیدگاه مثبت از حقوق زنان سخن می‌گوید و راه هدایت و سعادت را در قالب برنامه‌ها و دستورات اصولی و منظم دینی به آنان نشان می‌دهد و با ارائه الگوی مناسب و حقیقی از یک زن مسلمان که نمونه بارز آن حضرت زهرا علیها السلام و حضرت زینب علیها السلام است، زن مسلمان را در هر چه بهتر رسیدن به کمال و یک زندگی طیبه یاری می‌دهد. (قیوم زاده، ۱۳۸۷) اسلام حضور زن را در فعالیت‌های سیاسی با شرایط معتدل قبول دارد. این حضور باید در راستای تحکیم بنیان خانواده، جلوگیری از هرزگی و بی‌بندوباری و با اولویت دادن به نقش مادری باشد. مقامی که اسلام برای زن به موازات مرد در تمام مشترکات طبیعی و توانایی‌ها قرار داده است این امکان را به زن می‌دهد تا در حدود احترام به تکالیف شرعی از حیث پوشش، شکل رابطه با نامحرم و مسئولیت‌های زناشویی و خانوادگی در فعالیت سیاسی، وارد شود (شمس‌الدین، ۱۳۷۶).

اگر سیره جامعه اسلامی صدر اسلام و مجال‌های اهتمام سیاسی و شیوه‌های ارتباط و

اظهار نظر سیاسی در مواضع گوناگون مورد بررسی قرار گیرد، به دست می‌آید که زن مسلمان مطابق عرف و رسوم آن عصر از دایره فعالیت‌های سیاسی غایب نبوده است، اما طبیعت قضایای سیاسی و شیوه‌های فعالیت سیاسی آن عصر با شکل و شیوه‌های فعالیت‌های سیاسی بانوان در جامعه امروزی بسیار تفاوت داشت. عنصر بارز فعالیت‌های سیاسی زنان صدر اسلام، حضور ایشان در صحنه‌های جهاد، هجرت ایشان برای حفظ دین، بیعت با رسول گرامی اسلام ﷺ، دفاع از ولایت و اعتراض به حاکمان وقت است که این حضور فعال مورد تأیید رسول خدا ﷺ و ائمه اطهار (علیهم‌السلام) بود. این موضوع، جواز حضور زن در صحنه‌های سیاسی و اجتماعی جامعه را تأیید می‌کند، ولی شکل و قالب فعالیت‌های بانوان در جامعه امروز به تناسب شکل و نهاد جامعه و راه‌های اظهار نظر سیاسی و شرایط جامعه با فعالیت‌های سیاسی زنان صدر اسلام و اعصار پیشین متفاوت است. (کرمی تبار، ۱۳۸۵)

۳-۱. زن، بیعت و حق رأی

هنگام ابلاغ هر دینی، گروندگان به آن دین با رفتاری متفاوت با قبل، تعهد خود را نسبت به دین جدید نشان می‌دهند. به سبب وجود سابقه بیعت در جزیره‌العرب، بیعت مسلمانان با پیامبر اکرم ﷺ را علاوه بر دلالت بر مشارکت سیاسی و اجتماعی، می‌توان نشانه تعهد آنها دانست. (بختیاری، ۱۳۸۸) بیعت از بارزترین جوانب عمل سیاسی است که امت با آن سرو کار دارد؛ زیرا از نظر اسلام، بیعت نه تنها به نظام حاکم مشروعیت می‌بخشد، بلکه در تجربه صدر اسلام بیعت حتی به ایجاد نظام مربوط بوده است. بنابراین، بیعت اساس جامعه اسلامی و وسیله‌ای برای اعلام التزام جامعه به شریعت است (رئوف، ۱۳۷۷).

بیعت پیامبر اکرم ﷺ با مردان به وفور در منابع تاریخی گزارش شده و تحقیقات و بررسی‌های متعددی درباره آن صورت گرفته است. مبحث بیعت زنان با پیامبر ﷺ و اینکه آیا با زنان نیز بیعت می‌شد و در صورت مثبت بودن پاسخ با چه کسانی و با چه شرایطی و الزاماتی صورت می‌گرفت، یکی از مسائل مهم در سیره پیامبر ﷺ است. (بختیاری، ۱۳۸۸) درک اهمیت حضور زنان در بیعت‌های دوران پیامبر ﷺ مستلزم در نظر گرفتن اهمیت بیعت در شمار یکی از حساس‌ترین امور سیاسی اسلام است (کاشف الغطاء، ۱۳۸۵). با توجه به حرکت پیامبر ﷺ در انتقال جامعه از فضای جاهلی به فضای مبتنی بر دین، بیعت با زنان

می توانست از اهمیت ویژه ای برخوردار باشد. موارد بسیاری در سیره و سنت رسول الله ﷺ دیده می شود که بیانگر توجه ویژه به طرح و جانداختن نگاه دینی نسبت به زن به جای نگاه جاهلی است (بختیاری، ۱۳۸۸).

قبل از استقرار حکومت اسلامی در یثرب (مدینه) مردم آن سرزمین دو بار به نمایندگی از طرف خودشان گروهی را اعزام و با پیامبر گرامی اسلام ﷺ بیعت کردند. در میان هر دو گروه، زنان مساوی با مردان نقش ایفا می کردند. در این بیعت، زنی به نام حزه، دختر عبید بن ثعلبه، حضور داشت. تا جایی که بیعت اول (پیمان عقبه اول) را «بیعت النساء» هم می گویند. حتی برخی مورخان بر این عقیده اند که چون حضور زن در امری به این مهمی، آن هم در زمان های که زن از اولین حقوق فردی و اجتماعی خود محروم بود، بسیار شگفت آور می نمود، این بیعت را بیعت النساء نامیده اند. (قیوم زاده، ۱۳۸۷) حج سال سیزدهم هجری، شاهد حضور تعداد زیادی از مسلمانان مدینه بود. آنان در ایام حج، شبانه در گردنه ای خارج از شهر مکه با پیامبر ﷺ ملاقات کردند و ۷۳ مرد و دوزن با رسول خدا بیعت نمودند (یوسفی غروی، ۱۳۹۲، ۱۴۱/۲، حیدری، ۱۳۸۷). بیعت دیگری که در زمان پیامبر اسلام ﷺ انجام شد، در جریان فتح مکه بود. در این بیعت تفاوتی بین زنان و مردان نبود، حضور زنان بسیار گسترده بود و آیه ۱۲ سوره ممتحنه در این هنگام نازل شد (جلیلی، ۱۳۸۴). امام محمد باقر علیه السلام می فرماید، بیعت پیامبر خدا ﷺ با زنان بدین صورت بود که ایشان دستش را در ظرف آبی فرو می برد و بیرون می آورد و زنان نیز با اظهار اقرار و ایمان به خدا و تصدیق پیامبرش، دستان خود را در آب فرو می بردند (محمدی ری شهری، ۱۳۹۳، ۱۶۱).

۲-۳. زن و حضور در جنگ

در عرصه سیاسی و اجتماعی صدر اسلام، زن موجودی منفی یا مهره ای متروک و مطرود نبود، بلکه از آغاز بعثت پیامبر ﷺ دوشادوش مردان در صحنه های مختلف اجتماعی، سیاسی و ... حضور داشت و نقش مؤثر و مثبتی ایفا می نمود. زن مسلمان در صدر اسلام، برای دفاع از اسلام، شکنجه ها را به جان می خرید، برای حفظ عقیده خویش، جلای وطن می کرد و در میدان جنگ و جهاد پایه پای مردان حضور می یافت، به گاه ضرورت شمشیر می کشید و دلاورانه می جنگید. (آذرنوش، دهقان پور، ۱۳۸۸)

اعمال و رفتاری که زنان در جنگ‌ها و صحنه‌های سیاسی اسلام از خود نشان داده‌اند، نشان می‌دهد که ایشان در پیش‌برد مسائل نظامی صدر اسلام مؤثر بوده‌اند. (جمالی، ۱۳۸۷)

زنان صدر اسلام در جنگ‌ها سه نقش بر عهده داشتند: حضور در کنار مردان جنگجو و روحیه بخشیدن به ایشان؛ پشتیبانی جنگ و امداد رسانی؛ به دست گرفتن سلاح و دفاع کردن در صورت نیاز (قیوم‌زاده، ۱۳۸۷). در زمان پیامبر ﷺ حدود ۷۵ جنگ واقع شد. در این جنگ‌ها زنان نیز حضور داشتند و با رعایت مرزها و حدود، هر آنچه را که می‌توانستند برای خدمت به جنگاوران و حمایت از پیامبر ﷺ انجام می‌دادند. در این رابطه تاریخ نام زنان بسیاری را ثبت کرده است که برخی از ایشان عبارتند از:

اول) حضرت زهرا علیها السلام: ایشان گاهی در صحنه‌های نبرد حضور می‌یافت و خدماتی انجام می‌داد. از جمله نقل شده است که در صحنه نبرد احد حضور داشت و خون از چهره رسول خدا صلی الله علیه و آله شست و بر زخم ایشان مرهم نهاد و آنگاه خود شمشیر پدر و همسرش را شستشو داد. همچنین نقل شده است که در نبرد خندق نیز آن حضرت برای پیامبر صلی الله علیه و آله نان می‌آورد تا ضعف جسمانی مانع مبارزه ایشان نشود. ایشان در فتح مکه نیز حضور داشت. در جنگ احد زنان مسلمان و در رأس آنها حضرت زهرا علیها السلام حضور داشت، زخمیان را مداوا و تشنگان را سیراب می‌کرد. حتی هنگامی که نشانه‌های ضعف در جبهه مسلمانان نمودار گردید ام عماره، به دفاع از پیامبر صلی الله علیه و آله پرداخت و ذکر شده است که دوازده زخم نیزه و شمشیر به او اصابت کرد. (سالم، ۱۳۸۰)

دوم) نسیبه بنت کعب: او در جنگ احد مسئولیت آبرسانی به مجاهدین را به عهده داشت. در این جنگ وقتی دشمن از گذرگاهی که عده‌ای به طمع جمع‌آوری غنایم از آن غافل شده بودند، هجوم آوردند، مردان سست‌پیمان فرار را بر جهاد ترجیح دادند و تنها حدود ۱۰ نفر باقی ماندند تا از پیامبر صلی الله علیه و آله دفاع کنند. یکی از این ده نفر نسیبه بود که به دفاع از جان پیامبر صلی الله علیه و آله پرداخت. در این دفاع قهرمانانه، جراحات بسیاری به او وارد آمد که تا آخر عمر خدا را بر نشانه‌های افتخار حک شده بر بدنش شکر می‌گفت.

سوم) در غزوه خیبر تعداد بیست زن حضور داشتند. ام سلمه، نسیبه، بنت کعب، ام منیع، کعبیه بنت سعد، ام فتاح، ام سلیم، بنت ملحان، ام ضحاک، هند بنت عمروین

حزام، ام الولاء، ام عامر، ام عطیه، ام سلیطه. ایشان حضرت را در تدارکات و پشتیبانی و مداوا یاری می‌کردند.

چهارم) امینه دختر قیس بن ابی اصلت القاری. او در جنگ‌ها حضور پیدا می‌کرد و برای مداوای مجرمین سهم مؤثر و بسزایی داشت. ایشان علاوه بر محدثه بودن، نیروی رزمی نیز بود. (قیوم‌زاده، ۱۳۸۷)

۳-۳. زن و نظارت اجتماعی

یکی دیگر از فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی زن که قرآن نسبت به زنان بازگو کرده است، امر به معروف و نهی از منکر است. (قیوم‌زاده، ۱۳۸۷) وظیفه امر به معروف و نهی از منکر از تکالیف مشترک زن و مرد در قرآن کریم است. مقابله با بزرگ‌ترین منکر در عرصه حیات اجتماعی یعنی حاکمیت ظلم و ستم و دستگاه جور، از وظایف مسلم‌هرزن و مرد مسلمانی است (آکوچکیان، ۱۳۸۹).

۳-۴. زن و هجرت

هجرت یکی دیگر از حرکت‌های سیاسی است که در صدر اسلام دو بار اتفاق افتاد و زنان مسلمان در هر دو مهاجرت شرکت داشتند. این مهاجرت‌ها ابعاد سیاسی بسیاری داشت: نخست، طرد و سستی نظام حاکم بر جامعه را نشان می‌داد؛ دوم اینکه ابلاغ پیام آیین جدید را به همراه داشت؛ سوم تدبیر سیاسی بود برای ماندگاری و پایداری مکتب نو ظهور، بدین معنا که اگر مشرکان، مسلمان را در مکه نابود ساختند پیروان آیین نو در مکانی دیگر به حمایت و حراست آن پیردازند. (مهریزی، ۱۳۸۶؛ قیوم‌زاده، ۱۳۸۷) حضور فیزیکی زنان در این سفرها یا بودن آنها همراه مردان اهمیت ندارد، بلکه توجه به این امر لازم است که ایمان جدید آنچنان در وجود زنان مسلمان مهاجر ریشه دوانده بود که همه علقه‌ها و علاقه‌های مادی را در راه تأسیس حکومت اسلامی کنار گذاشته بودند (کاشف‌الغطاء، ۱۳۸۵). این دو هجرت با شکوه و آمیخته با رنج‌ها و خاطرات فراوان یکی هجرت به حبشه و دیگری هجرت به مدینه بود. در هجرت حبشه که مخفیانه صورت گرفت، حدود ۸۳ مرد و ۱۸ زن حضور داشتند (قیوم‌زاده، ۱۳۸۷). چهار زنی که در هجرت حبشه اول حضور داشتند عبارتند از: رقیه،

دختر پیامبر ﷺ؛ سهله، دختر سهیل بن عمرو؛ ام سلمه، دختر ابی امیه از بنی مخزوم و لیلی دختر ابو خيثمه (يعقوبی، ۱۳۸۹/۱، ۲۸۵؛ یوسفی غروی، ۱۳۹۲/۲، ۳۹).

۳-۵. زن و حضور در حج

حج نیز یکی از عرصه‌های عبادی، سیاسی و اجتماعی بود که زنان صدر اسلام در آن حضور یافتند و این حضور با توجه به فضیلت حج اهمیت بسیاری داشت. در اولین سفر پیامبر ﷺ به خانه خدا که در ذی القعدة سال ششم هجرت انجام شد، چهار زن به نام‌های ام سلمه، ام عماره، ام منیع، ام عامر اشهلی حضور داشتند. (خانی، ۱۳۸۷) همچنین از زنان صدر اسلام که در قالب راویان امین و شاعران و حماسه‌سرایان متعهد ایفای نقش می‌کردند، می‌توان به این موارد اشاره کرد:

اول) سوده، دختر عمار بن اسد همدانی، که بعد از شهادت حضرت علی علیه السلام به خاطر ستمگری‌های بسر بن ارضاء، برای شکایت به دربار امویان رفت و با معاویه سخن گفت. دوم) ام الخیر، دختر حریش بن سراقه از زنان نامدار صدر اسلام، که سخنوری ماهر و خطیبی بلیغ بود.

سوم) امیمه، دختر قیس بن ابی الصلت غفاری، که راوی بود و احادیث فراوانی از رسول اکرم صلی الله علیه و آله نقل نمود و تعدادی از تابعان شاگرد او بودند. چهارم) ام کلثوم، دختر عقبه ابی معیط، که جزو زنان مهاجر بود. او در سال هفتم هجری مهاجرت نمود و می‌گویند که اولین زن مهاجری است که از مکه به مدینه با پای پیاده هجرت نموده است. (جوادی آملی، ۱۳۸۷)

۴. بحث و نتیجه‌گیری

امروزه کمتر کسی می‌تواند نقش دین و نهاد دین را در زندگی اجتماعی به طور اعم و زندگی سیاسی به طور اخص نادیده بگیرد. آموزه‌های دینی مختلف رفتارهای سیاسی خاص برای پیروانشان طلب می‌کنند. در دوران جاهلیت با وجود اینکه زنان در بعضی زمینه‌های سیاسی فعالیت داشتند، ولی به علت نظام قبیله‌ای و ساختار خاص جامعه، این فعالیت‌ها به زنان طبقات بالا اختصاص داشت و زنان افرادی درجه دوم در نظر گرفته می‌شدند

و فعالیت های اجتماعی و سیاسی آنها مستقل از مردان نبود، بلکه اغلب برای حمایت از مردان بود. بعد از اسلام، با توجه به آموزه های قرآنی و الگوی رفتاری پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در تبیین تکلیف مداری زن و مرد در امور مشترک، حضور همگان در عرصه سیاسی الزام بود. گرچه در مورد حضور زنان، رعایت ضوابط و حدود برای حفظ شأن و مقام انسانی آنان مورد تأکید بود، اما این مسئله تغییری در اصل موضوع حضور ایجاد نمی کرد. زن مسلمان بر حسب عرف و رسوم صدر اسلام از دایره فعالیت های سیاسی غایب نبوده است، اما طبیعت قضایای سیاسی و شیوه های فعالیت سیاسی آن عصر با شکل و شیوه های فعالیت های سیاسی بانوان در جامعه امروزی بسیار تفاوت داشت. نقطه مشترک مشارکت سیاسی، شعور و آگاهی است.

اگر زنان به این باور برسند که در انسان بودن همانند مردان هستند و به خاطر روح لطیفی که خداوند در وجودشان به ارمغان گذاشته، می توانند در رسیدن به کمالات معنوی حتی از مردان گوی سبقت را براباید و اینکه فقط انسان های متقی نزد خداوند مقام والایی دارند، چه زن باشند چه مرد، انبوهی از شبهاتی که امروزه افکار بسیاری را مشوش کرده است، بر طرف می شد. شبهاتی همانند اینکه اسلام اجازه حضور و مشارکت زن در اجتماع را نمی دهد؛ چون اسلام محدودیت هایی را برای زن قائل شده است که مانع حضور و مشارکت او می شود.

در اسلام مشارکت سیاسی و حقوق اجتماعی زنان به خوبی ترسیم و جهات آن مشخص است. به گونه ای که علاوه بر حقی که بانوان در این مورد دارند، این مشارکت سیاسی وظیفه هر زن است همانطور که وظیفه هر مرد مسلمان است. متغیرهایی در دین تعیین شده است که مشارکت سیاسی زنان با الگوهایی که مورد تأیید پیامبر صلی الله علیه و آله بوده است، مسجّل و حقوق اجتماعی ایشان معین شده است.

فهرست منابع

* قرآن کریم

۱. ایزوتسو، توشی هیکو (۱۳۹۴). مفاهیم اخلاقی - دینی در قرآن مجید. مترجم: بدره ای، فریدون. تهران: نشر و پژوهش فرزانه روز.
۲. آبوت، پاملا، و کلر، والاس (۱۳۹۳). جامعه شناسی زنان. مترجم: نجم عراقی، منیژه. تهران: نشر نی.

۳. آذرنوش، آذرتاش، و دهقان پور، زهره (۱۳۸۸). زنان در کشاکش نبرد، حضور زنان مسلمان در جنگ‌ها تا پایان دوره اموی. نشریه پژوهش زنان، (۱۱)، ۷۵-۹۷.
۴. آکوچکیان، احمد، و عرب نژاد، مرضیه (۱۳۸۹). اصول دین شناختی مشارکت زنان در فرایند توسعه سیاسی. نشریه شورای فرهنگی اجتماعی زنان (مطالعات راهبردی زنان)، (۱۳)، ۴۹-۲۳۵، ۲۹۲.
۵. باقرزاده، محمدرضا (۱۳۸۵). پیامبر اعظم و مشارکت اجتماعی - سیاسی زنان. نشریه تخصصی فقه و اصول، (۲)، ۵۵-۸۲.
۶. بختیاری، شهلا (۱۳۸۸). ملاحظاتی بر اسلام‌پذیری و بیعت زنان با پیامبر اسلام ﷺ. نشریه پژوهش زنان، (۱)، ۸۱-۱۰۵.
۷. بیرو، آلن (۱۳۹۲). فرهنگ علوم اجتماعی. مترجم: ساروخانی، باقر. تهران: انتشارات کیهان.
۸. جلیلی، محمدرضا (۱۳۸۴). جایگاه زن در خانواده و اجتماع در اسلام و یهودیت. تهران: انتشارات دستان.
۹. جمالی، هاجر (۱۳۸۷). بررسی نقش زنان صدر اسلام در امور دفاعی. نشریه پلیس زن، (۱)، ۱۴۳-۱۵۸.
۱۰. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۷). زن در آیین جلال و جمال. قم: مرکز نشر اسراء.
۱۱. حیدری، احمد (۱۳۸۷). بزرگ زنان صدر اسلام. قم: انتشارات تحقیقات اسلامی.
۱۲. خانی، اعظم (۱۳۸۷). حقوق زن در عصر نبوی. نشریه فرهنگ کوثر، (۷۵)، ۳۰-۴۱.
۱۳. رحمت آبادی، اعظم (۱۳۸۶). فعالیت‌های علمی - اجتماعی زنان خاندان اهل بیت. نشریه بانوان شیعه، (۴)، ۸۷-۱۰۲.
۱۴. روزه، گی (۱۳۹۴). تغییرات اجتماعی. مترجم: وثوقی، منصور. تهران: نشر نی.
۱۵. ریعان، معصومه (۱۳۸۵). نقش زنان در ماجرای سیاسی صفین. نشریه بانوان شیعه، (۳)، ۳۳۷-۳۶۵.
۱۶. رؤف، هبه (۱۳۷۷). مشارکت سیاسی زن دیدگاهی اسلامی. مترجم: آرمین، محسن. تهران: نشر قطره.
۱۷. سالم، عبدالعزیز (۱۳۸۰). تاریخ عرب قبل از اسلام. مترجم: صدری نیا، باقر. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۸. شمس الدین، محمدمهدی (۱۳۹۱). حدود مشارکت سیاسی زنان در صدر اسلام. مترجم: عابدی، محسن. تهران: مؤسسه انتشارات بعثت.
۱۹. عباسی مقدم، مصطفی، و مشهدی پور، مریم (۱۳۸۹). مشارکت سیاسی و اجتماعی زنان در دوران جاهلیت. نشریه تاریخ اسلام، (۱۱)، ۴۲-۴۱، ۱۹۵-۲۲۸.
۲۰. غفاری هشجین، زاهد، بیگی نیا، عبدالرضا، و تصمیم قطعی، اکرم (۱۳۸۹). عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی دانشجویان علوم سیاسی و فنی دانشگاه تهران. نشریه دانش سیاسی، (۲)، ۲۰۷-۲۴۰.
۲۱. فیروزجانیان، علی اصغر، و جهانگیری، جهانگیر (۱۳۸۷). تحلیل جامعه‌شناختی مشارکت سیاسی دانشجویان. نشریه علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد، (۵)، ۸۲-۱۰۹.
۲۲. قیوم زاده، محمود (۱۳۸۷). حقوق اجتماعی و مشارکت سیاسی زنان از دیدگاه اسلام. فصلنامه علوم اسلامی، (۳)، ۷۵-۱۰۰.
۲۳. کاشف الغطاء، فاطمه (۱۳۸۵). رشد سیاسی زنان؛ تحلیل فرایندی (پیش و پس از ظهور اسلام). فصلنامه بانوان شیعه، (۳)، ۷ و ۶، ۲۹۷-۳۱۶.
۲۴. کدیور، جمیله (۱۳۸۱). زن. تهران: انتشارات اطلاعات.
۲۵. کریمی تبار، مریم (۱۳۸۵). مشارکت سیاسی زنان مسلمان بررسی تطبیقی زنان مسلمان ایران (پس از انقلاب اسلامی) و زنان صدر اسلام (تا پیش از غیبت). نشریه بانوان شیعه، (۳)، ۳۷۹-۴۰۰.
۲۶. ماشینی، فریده (۱۳۸۶). زنان: زنان و تجربه مشارکت سیاسی. نشریه آیین، (۸)، ۶۶-۷۱.
۲۷. محمدی ری شهری، محمد (۱۳۹۳). میزان الحکمه. مترجم: شیخی، حمیدرضا. قم: دارالحدیث.
۲۸. مروتی، سهراب، و زرگوش نسب، عبدالجبار (۱۳۸۷). قضاوت زنان در قرآن و سنت. نشریه پژوهش زنان، (۲)، ۲۴-۵.
۲۹. مریچی، شمس‌الله (۱۳۸۸). تبیین جامعه‌شناختی واقعه کربلا. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۳۰. موحد، مجید (۱۳۸۲). مشارکت سیاسی زنان و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن. نشریه مطالعات زنان، (۱)، ۳-۲۸.
۳۱. موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۶۳). در جستجوی راه از کلام امام. تهران: امیرکبیر.
۳۲. موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۷۸). جایگاه زن در اندیشه امام خمینی ﷺ. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۳۳. مهریزی، مهدی (۱۳۸۶). زن در اندیشه اسلامی. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

۳۴. نعمتی پیرعلی، دلآرا (۱۳۸۶). شخصیت زن در قرآن و کتاب مقدس. قم: نشر مجنون.
۳۵. نوروزی، فیض اله.، و بختیاری، مهناز (۱۳۸۸). مشارکت اجتماعی و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن. نشریه راهبرد، ۱۸(۱)، ۲۴۹-۲۶۹.
۳۶. یزدان پناه، لیلا.، و صمدیان، فاطمه (۱۳۸۷). تأثیر ویژگی های فردی و اجتماعی بر مشارکت اجتماعی زنان کرمانی. نشریه مطالعات زنان، ۲(۶)، ۱۲۷-۱۴۹.
۳۷. یعقوبی، احمد بن اسحاق (۱۳۸۹). تاریخ یعقوبی. مترجم: آیتی، محمد ابراهیم. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۳۸. یوسفی غروی، محمد هادی (۱۳۹۲). تاریخ تحقیقی اسلام. مترجم: عربی، حسین علی. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
39. Gharavi Naeeni, Nahleh (2010). Islamic Women Studies is important and necessary. *Procedia Social and Behavioral Sciences*, 9, 1238-1243.
40. Mejia, Melanie. P (2007). Gender Jihad Muslim Women. *Islamic Jurisprudence and Women's Rights*, 1(1), 1-24.
41. Norris, Pippa (2001). *Count Every Voice: Democratic Participation World wide*. Manuscript available.
42. Zaidi, Shahida., Ramarajan, Arulmozhi., Qiu, Renzong., Raucher, Michal., Chadwick, Ruth., & Nossier, Amna (2009). Sexual Rights and Gender Roles in Religious Context. *International Journal of Gynecology and Obstetrics*, 106, 151-155.

